دانشگاه علمی کاربردی واحد 11

آسیب شناسی پدیده کودکان خیابانی بر جامعه

استاد ارجمند جناب آقای دکتر مؤمنی

دانشجو: معصومه رحمانی

رشته مدیریت برنامه ریزی و فرهنگی

هر زمان که پشت چراغ قرمز بر سر چهارراهی توقف کنید و منتظر تغییر رنگ چراغ های ناهماهنگ راهنمایی در شمارش معکوس حرکت ماشین باشید، شاهد حداقل سه یا چهار کودک خردسال و نوجوانی هستید که با دسته های گل، اسباب بازی، دستمال برای پاک کردن شیشه ماشین و... به طرف انبوه ماشین ها حرکت می کنند تا شاید فقط یک یا دو ماشین با چانه زدن گلی بخرند و دستمالی بر روی شیشه ماشین کشیده شود؛ و باز در پی تکرار رنگ چراغ ها می توانید بارها و بارها نظاره گر این حرکت اتوماتیک وار انسانی باشید. این کودکان متکدی و دستفروش را روی پل عابر پیاده، کنار پیاده رو و یا سایر مکان های پر رفت و آمد به گونه های متفاوت می بینید.

در اولین نگاه، سؤالی که به ذهن متبادر می شود؛ این است که این کودکان از کجا می آیند و به کجا می روند. نقطه آغاز روزشان کجا است و مأمن و پناهگاهشان کجا؟ پول حاصل از رفت و آمد بین ماشین ها و نشستن کنار پیاده رو را به چه کس یا کسانی می سپارند؟ پاسخ سؤال اول را کسانی درمی یابند که اگر بر حسب اتفاق صبح خیلی زود در خیابان تردد کنند، وانت نیسان هایی را می بینند که انبوهی از کودکان خواب آلود را روی هم مانند بسته های پستی انباشته اند تا به مقصد یعنی محل کارشان برسانند و در آخرین دقایق شبانگاه، باز تکرار راه، پیموده شده است؛ چهره های خسته، گرسنه و خواب آلوده کودکان. پاسخ سؤال دوم برمی گردد به خانواده ها و یا سرپرستان این کودکان خیابانی.

درسال های گذشته، شاهد طرح جمع آوری متکدیان و ساماندهی کودکان خیابانی بودیم که تعدادی از آنان همشهری محسوب می شوند و برخی دیگر میهمانان ناخوانده کشورهای همسایه. متولیان این امر از بهزیستی گرفته تا شهرداری، کمیته امداد و یا سایر دستگاه های اجرایی، یکدیگر را به کم توجهی در مسئولیت شان، عدم تخصیص اعتبار، عدم اجرای صحیح و اصولی طرح متهم می کنند و در پی آن هنوز که هنوز است نه طرح به شور رسیده و نه کودک خیابانی سامان یافته است.

آوردن این مقدمه بهانه ای بود برای پرداختن به بحث آسیب شناسی پدیده کودکان خیابانی و خطراتی که متوجه ایشان از طرف جامعه و همچنین وجود این کودکان در بطن روزمرگی کلان شهرها و شهرهای بزرگ دارد.

**اهمیت پرداختن به پدیده کودکان خیابانی**

بی شک اندیشه مطالعه و بررسی کودکان خیابانی در سال های گذشته اذهان کارشناسان مسائل اجتماعی را مشغول نموده است. کودکان فقیر دارای خانواده یا بدون خانواده که در خیابان ها، ایستگاه های راه آهن، و سایر مراکز تجاری زندگی می کنند، بخشی از جامعه بشری هستند که پرداختن به آن، جلوگیری از شروع آسیب های اجتماعی است.

بر طبق نظر یونیسف، کودکان خیابانی با واقعیت تلخی از جدایی فزاینده خانواده روبه رو هستند و در خطر از دست دادن امکانات اساسی همچون بهداشت و آموزش می باشند. کودکان خیابانی با فقر شدید و تجربه، مجموعه خطراتی مواجه هستند که اثر مخربی بر سلامتی آنها دارد. آنها با گرسنگی و تغذیه ضعیف، مشکلات بهداشتی، فقدان سلامت روانی، تأخیر تحولاتی، مشکلات روان شناختی و عدم پیشرفت تحصیلی مواجه هستند. این پیامدهای بی خانمانی با دیگر پیامدها زنجیره ای را تشکیل می دهند که نیازهای تغذیه ای کودکان برآورده نشود. رشد، تحت تأثیر قرار گرفته و به تبع آن سلامت جسمانی به خطر می افتد و این امر بهداشت روانی را به شدت تحت تأثیر قرار داده، و در نتیجه توانایی تمرکز کاهش می یابد و در پی آن عملکرد اجتماعی به شدت دچار افت می شود.

کمبود این امکانات در سنین نوجوانی و جوانی برای دختران بی خانمان در زمان بارداری که عمدتا ناخواسته است، کودکان بی خانمان را در معرض وزن کم در زمان تولد، مشکلات سلامت و بیماری های مزمن، مشکلات شناختی و تحولی سنین رشد و مشکلات تحصیلی قرار می دهد. البته این نکته قابل تأمل است که تعداد بسیار کمی از این کودکان از امکان تحصیلات ابتدایی برخوردار می گردند.

مشکلات سلامتی با مشکلات روان شناختی همراه با عملکرد ضعیف اجتماعی، اضطراب، افسردگی و مشکلات رفتاری به دنبال حضور در خیابان، منجر به بروز شدیدترین آسیب های روانشناختی می شود.

**کودکان خیابانی چه کسانی هستند؟**

سازمان جهانی بهداشت، کودکان خیابانی را به چهار گروه مختلف دسته بندی کرده است:

1ـ کودکانی که در خیابان ها زندگی می کنند و اولین نگرانی آنها زنده ماندن و داشتن سرپناه است.

2ـ کودکانی که از خانواده خود جدا شده اند و موقتا در مأمنی مانند خانه های متروک و سایر ساختمان ها، پناهگاهها و سرپناه ها زندگی می کنند و یا از منزل یک دوست به منزل دوست دیگر می روند.

درسال های گذشته، شاهد طرح جمع آوری متکدیان و ساماندهی کودکان خیابانی بودیم که تعدادی از آنان همشهری محسوب می شوند و برخی دیگر میهمانان ناخوانده کشورهای همسایه. متولیان این امر از بهزیستی گرفته تا شهرداری، کمیته امداد و یا سایر دستگاه های اجرایی، یکدیگر را به کم توجهی در مسئولیت شان، عدم تخصیص اعتبار، عدم اجرای صحیح و اصولی طرح متهم می کنند و در پی آن هنوز که هنوز است نه طرح به شور رسیده و نه کودک خیابانی سامان یافته است.

3ـ کودکانی که تماس با خانواده خود را حفظ می کنند ولی به علت فقر، پر جمعیت بودن خانواده و یا سوء استفاده جنسی و جسمی از آنان در بعضی شب ها و اکثر ساعات روز را در خیابان ها به سر می برند.

4ـ کودکانی که در مراکز ویژه نگهداری می شوند اما قبلاً در وضعیت بی خانمانی به سر می برده اند و در معرض خطر برگشت به همان وضعیت هستند.

از مشخصات برجسته کودکان خیابانی می توان به این موارد اشاره کرد:

بیگانه و طرد شدن آنها از نظام و ساختار معمول اجتماعی، اقدام به رفتارهای شدید ضد اجتماعی (Anormy) و صدمه به خود، داشتن سوء ظن به خدمات رسمی و در نتیجه استفاده کم از منابع کمی موجود، زندگی کردن پایین تر و خارج از محدوده های سنتی سیستم رفاهی.

وجه مشخص دیگر این کودکان گذراندن وقت زیاد در خیابان است. همچنین خیابان منبع اولیه برای معاش این گروه محسوب می شود و بدین ترتیب مشخص می گردد که به طور شایسته و مطلوب توسط بزرگسالان نگهداری نمی شوند. این کودکان معمولاً یا دارای یک والد پدر یا مادر بوده و یا شاهد حضور ناپدری یا نامادری در خانه هستند. در حالت های بعدی می توان از کودکانی نام برد که بی سرپرست هستند و یا در مراکز شبانه روزی بهزیستی نگهداری می شوند.

**کودکان خیابانی از لحاظ تأمین معاش به چند گروه تقسیم می شوند:**

متکدیان، بزهکاران (سارقین، توزیع کنندگان مواد مخدر، متخلفین جنسی)، کارگران خیابانی در مشاغل کاذب، کارگران خیابانی در مشاغل واقعی، ولگردان متکدی با مشاغلی همچون تنقلات فروشی، واکسی، روزنامه و گل فروشی، فال، کوپن فروشی و در نهایت ضایعات جمع کن ها.

در این میان کودکان خیابانی هستند که با خانواده تماس های مکرر دارند، به مدرسه می روند و در پایان روز به خانه بر می گردند. عده ای دیگر، گاهگاهی با خانواده تماس دارند، به مدرسه نمی روند و به ندرت شب ها به خانه برمی گردند. و گروهی دیگر، کودکانی هستند که با خانواده خود هیچ تماسی ندارند، از تحصیلات بی بهره اند و در جستجوی سرپناه و غذا با گروه همسالان تعامل دارند.

از نکات برجسته کودکان خیابانی، علل فرارشان از منزل است. از عوامل مهم می توان فقر (اقتصادی)، تفاوت شدید طبقاتی و نبود عدالت اجتماعی، نرخ بالای بیکاری، افزایش بی رویه جمعیت در محله های حاشیه نشین شهرها، فقر فرهنگی خانواده ها (بی سوادی و کم سوادی)، افزایش نرخ طلاق، اعتیاد، فوت یک یا هر دو والد براثر سوانح طبیعی و یا اجتماعی، افزایش بی رویه مشاغل کاذب با درآمد بالا، کمرنگ شدن فرهنگ مذهبی و ملی و سست شدن بنیان ارزش های اخلاقی واعتقادی در جامعه را نام برد.

در این میان فرار کودکان از خانه با محوریت خانواده نقش اساسی را ایفا می کند. عدم به کارگیری راهکارهای تربیتی صحیح و بروز مشکلات متعدد، تبعیض بین فرزندان، کمبود محبت، لوس شدن، تنبیهات شدید فیزیکی، سوء استفاده جنسی، عدم درک حساسیت های دوران بلوغ نوجوانی، ترس کودک از حضور در مدرسه، تفاوت سنی فاحش والدین و کودک و نوع ارتباط بین نسلی، مقدار زوجات پدر خانواده، اختلالات روانی، سرقت های کوچک و بزرگ در منزل و مدرسه، فقر مادی و فرهنگی خانواده و طلاق، عمده ترین مشکلات درون خانواده است.

پیامد فرار از خانه و پناه آوردن کودکان به خیابان چیزی نیست جز آغاز سوء استفاده هایی از این کودکان از قبیل:

آموزش کودکان و بکارگیری آنان برای حمل و توزیع مواد مخدر و سایر موارد غیر قانونی، آموزش و بکارگیری کودکان برای تکدی گری، آموزش و بکارگیری کودکان برای انواع سرقت، جیب بری، کیف زنی، کیف قاپی، خفت گیری، کودک ربایی و...، بهره کشی و سوءاستفاده جنسی، فروختن کودکان جهت تجارت اعضای بدن، آموزش و بکارگیری در اماکن فساد، فروختن و یا اجاره کودکان به منازل، بکارگیری در مشاغل خدمات پست دست فروشی و معرکه گیری، از جمله این سوءاستفاده هایی هستند که آثار مخربی برای سلامت جسمی و بهداشت روانی کودکان خیابانی برجا می گذارد.

هر گونه اقدام جهت پیشگیری یا کنترل پدیده اجتماعی کودکان خیابانی مستلزم شناخت این گروه در دسته بندی هایی است که به آنها اشاره گردید. اما این پیشگیری و کنترل نیازمند ابزارهای ویژه ای هستند که دستگاه اجرایی، سازمان های غیر دولتی و خیریه ای، نقش تأثیرگذاری بر آن دارند. از مهم ترین این عوامل می توان به:

حساس شدن و فعال شدن نهادهای دینی نسبت به پدیده کودکان خیابانی.

حمایت های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی از طریق سازمان های غیر دولتی از خانواده های کودکان خیابانی و گسترش سیستم تأمین اجتماعی.

ایجاد و گسترش مراکز شبه خانواده برای کودکان خیابانی فاقد خانواده همچون سپردن آنان به خانواده های فاقد فرزند، برای آن دسته از کودکان خیابانی که فاقد والدین هستند.

ایجاد مراکز سیار و موقتی به عنوان سرپناه برای کودکان فاقد خانواده.

تأمین و ایجاد سرپناه شبانه و ارائه آموزش های کارهای فنی و حرفه ای.

ارائه خدمات مددکاری در محل حضور کوکان خیابانی در خیابان ها.

تفکیک بین دختر و پسر خیابانی جهت پیشگری و کنترل آسیب های اجتماعی.

ضرورت رویکرد اجتماعی به این پدیده و توجه به اینکه خیابانی بودن جرم نیست ولی می تواند منجر به جرمی همچون بزهکاری گردد.

مطرح کردن بحث کودکان خیابانی از طریق نشریات، صدا و سیما و حساس ساختن مردم نسبت به مشکلات کودکان خیابانی.

توسعه و تجهیز منابع انسانی برای کار با کودکان و نوجوانان خیابانی در مؤسسات دولتی و غیر دولتی.

تجهیز و فعال نمودن نهادهایی که در سطح شهرداری ها، دولت و سازمان های غیر دولتی، با حقوق کودکان و نوجوانان سر و کار دارند.

استفاده از تجربیات موفق سایر کشورها در امور ساماندهی و بازپروری کودکان خیابانی اشاره کرد.

با توجه به مطالب فوق باید اذعان داشت که پدیده کودکان خیابانی که هر روز شاهد افزایش جمعیت آنها هستیم، مسلتزم بازنگری در راهکارهای استفاده شده در این حیطه است. زیرا این کودکان با توجه به اینکه در رده های سنی مختلف قرار دارند، احتیاج به محیط مناسب برای رشد خواهند داشت. لذا باید با توجه به عواقب این پدیده که شامل بزهکاری، سرقت، اختلال های شخصیتی و ... می شوند، تلاش می شود تا شناختی بهتر از وضعیت این کودکان حاصل گردد.

در حال حاضر این پدیده از شهرهای بزرگ مانند تهران، اصفهان، شیراز و مشهد به شهرهای کوچک نیز سرایت پیدا کرده است و در صورت عدم برنامه ریزی دقیق شاهد آسیب های اجتماعی این پدیده خواهیم بود.